



مبارزه تشکیلاتی امام کاظم(ع)/ازادت اهل تسنن به موسی ابن جعفر(ع)

لگنجی شافعی می گوید وقتی از همه جا ناامید می شدم به حرم موسی ابن جعفر می رفتم و عرض حاجت می کردم. «کراماته تحار منه العقول» یعنی موسی ابن جعفر آنقدر کرامت دارد که عقول آدمیان مبهوت می شود.

الگنجی شافعی می گوید وقتی از همه جا ناامید می شدم به حرم موسی ابن جعفر می رفتم و عرض حاجت می کردم. «کراماته تحار منه العقول» یعنی موسی ابن جعفر آنقدر کرامت دارد که عقول آدمیان مبهوت می شود. خصائص امام موسی ابن جعفر(ع) و شیوه مبارزاتی آن حضرت با توجه به شرایط خفقان دوران بنی عباس از جمله مباحثی است که شاید کمتر مورد توجه واقع شده است. رهبری معظم انقلاب در مورد زندگانی امام کاظم(ع) می فرماید: «ما امروز نگاه میکنیم موسی بن جعفر، خیال میکنیم یک آقای مظلوم بی سروصدای سربه زیری در مدینه بود و رفتند مأمورین این را کشیدند آوردند در بغداد، یا در کوفه، در فلان جا، در بصره زندانی کردند، بعد هم مسموم کردند، از دنیا رفت، همین و بس؛ قضیه این نبود. قضیه یک مبارزه ی طولانی، یک مبارزه ی تشکیلاتی، یک مبارزه ای با داشتن افراد زیاد در تمام آفاق اسلامی بود.» لذا با توجه به این ذهنیت، بازخوانی صحیح از سیره و منش امام کاظم(ع) و تأمل بیشتر در مورد زندگی آن امام ضرورت بیشتری می یابد. برای این منظور به سراغ دو تن از کارشناسان مذهبی کشور رفتیم تا با آنها گفتگو کنیم. متن زیر مشروح این گفتگوست؛

در روایت داریم که هارون از امام کاظم سوال کرد ای پسر رسول خدا ما اینهمه پول خرج می کنیم و زحمت می کشیم و تبلیغات می کنیم ولی باز هم مردم شما را دوست دارند حضرت فرمود «أَنَا إِمَامُ الْقُلُوبِ وَ أَنْتَ إِمَامُ الْجُسُومِ» حجت الاسلام خاثری زاده در مورد نوع مواجهه امام کاظم با مردم و امامت و زعامت آن امام بزرگوار گفت: در روایت داریم که هارون از امام کاظم سوال کرد ای پسر رسول خدا ما اینهمه پول خرج می کنیم و زحمت می کشیم و تبلیغات می کنیم ولی باز هم مردم شما را دوست دارند که فرزندان پیامبر هستید. هر چه ما تبلیغات را بیشتر می کنیم باز هم نتیجه برعکس است و مردم شما را دوست دارند و ما بنی عباس را دوست ندارند. حضرت فرمود می دانید علت چیست؟ «أَنَا إِمَامُ الْقُلُوبِ وَ أَنْتَ إِمَامُ الْجُسُومِ» فرق تو و من این است که من بر دلهای مردم حکومت می کنم اما تو و امثال تو که به ظلم مسند حکومت را اشغال کرده اید بر جسم های مردم حکومت می کنید و حال آنکه ما آل الله بر قلوب مردم حکومت می کنیم. خدا ذهن ها را به شوی ما بر می گرداند. فرق تو و ما این است. اگر انسان این مسئله را بفهمد خیلی خوب است. امام خمینی(ره) در درس های اخلاق خود به نقل از برخی شاگردانشان می فرمودند که همانطور که بچه غذا می خواهد، قلب هم نیاز به غذا دارد و غذای این قلب ذکر خداست. می فرمودند به قلب خود ذکر خدا را بخورانید.

وی در مورد اهتمام امام کاظم(ع) به وحدت مذاهب اسلامی به یکی از یاران حضرت اشاره کرده و گفت: افرادی بودند که به اذن امام کاظم در دستگاه حکومت وارد می شدند. یکی از آنها علی ابن یقطین بود. او نفوذی حضرت در سیستم حکومتی هارون الرشید بود. حضرت به او فرمودند سه قول تو به من بده و من هم تضمینی به تو می دهم. سه قولی که تو باید به من بدهی این است که اولاً وقتی وارد سیستم حکومتی می شوی هر کاری که شیعیان ما دارند در قبال آنها کوتاهی نکن. دوم اینکه برای شیعیان ما عزت و احترام قائل شو و سوم اینکه من به تو قول می دهم که هرگز کسی به تو متعرض نشود، با شمشیر کشته نشوی، خدا به تو نظر و عنایت کند، زندانی نشوی و هیچ وقت تنگ دست نشوی. وی ادامه داد: علی ابن یقطین وارد دستگاه حکومت شد. در روایت داریم که امام کاظم به او فرمودند تا اطلاع ثانوی وضوی خود را مانند اهل سنت بگیر. بعد از مدت ها حضرت به او فرمود مانند شیعه ها وضو بگیر. علی ابن یقطین از حضرت علت را جویا شد و حضرت فرمود یک عده آدم های مذذب و سخن چین تو را زیر نظر داشتند و گفته بودند تنها جایی که می توان یقین کرد علی ابن یقطین شیعه است یا اهل سنت، وضوی اوست. از نماز هم نمی توان فهمید چرا که در بین اهل سنت مالکی ها با دست باز نماز می خوانند. لذا این روایت لزوم توجه به مسئله تقیه و عدم دامن زدن به اختلافات میان مذاهب اسلامی را نشان می دهد و اهل بیت هم بر این موضوع تأکید داشتند.

یک عالم سنی به نام الگنجی شافعی در مطالب السؤل می گوید که هر موقع کارد به استخوان من می رسید و از همه جا ناامید می شدم به حرم موسی ابن جعفر می رفتم و عرض حاجت می کردم. خودش می گوید «کراماته تحار منه

العقول» یعنی موسی ابن جعفر آنقدر کرامت دارد که عقول آدمیان مبهوت می شود این کارشناس دینی در مورد زندگی و سیره شخصی امام کاظم(ع) گفت: در حالات امام موسی ابن جعفر داریم که «الَّذِي كَانَ يُحْيِي اللَّيْلَ يَالسَّهْرَ إِلَى السَّحَرِ» امام کاظم آن شخصیتی است که یکی از برنامه های زندگی ایشان شب زنده داری بود. کسی که پیر موسی ابن جعفر است باید اهل سحر باشد. روایت می فرماید «شيعتنا يَنَامُونَ أَوَّلَ اللَّيْلِ» شیعیان ما اول شب می خوابند. باید شب زودتر خوابید تا بتوان سحر را درک کرد. حضرت فرمود «لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُصَلِّ صَلَاةَ اللَّيْلِ» از ما نیست آن کسی که اهل نماز شب نباشد.

وی با اشاره به روایتی از امام کاظم(ع) در این خصوص گفت: امام کاظم در مورد نظم زندگی و تقسیم بندی زمان طول روز فرمودند «إِجْتَهِدُوا فِي أَنْ يَكُونَ زَمَانُكُمْ أَرْبَعَ سَاعَاتٍ: سَاعَةٌ لِمُنَاجَاةِ اللَّهِ، وَسَاعَةٌ لَامْرَالْمَعَاشِ، وَسَاعَةٌ لِمُعَاشَرَةِ الْأَخْوَانِ وَالْيَقَاقِ الَّذِينَ يَعْرِفُونَكُمْ وَغُيُوبَكُمْ فِي الْبَاطِنِ، وَسَاعَةٌ تَخْلُونُ فِيهَا لِلذَّاتِكُمْ فِي غَيْرِ مُحَرَّمٍ وَبِهِذِهِ السَّاعَةِ تَقْدِرُونَ عَلَى الثَّلَاثِ سَاعَاتٍ.» یعنی بکوشید که اوقات شبانه روز شما چهار قسمت باشد اول قسمتی برای

مناجات با خدا، دوم قسمتی برای تهیه معاش، سوم قسمتی برای معاشرت با برادران و افراد مورد اعتماد که عیب های شما را به شما می فهمانند و در دل به شما اخلاص می ورزند، چهارم و قسمتی را هم در آن خلوت می کنید برای درک لذت های حلال و تفریحات سالم و به وسیله انجام این قسمت است که بر انجام وظایف آن سه قسمت دیگر توانا می شوید.

وی در پایان گفت: یک عالم سنی به نام الگنجی شافعی در مطالب السؤل می گوید که هر موقع کارد به استخوان من می رسید و از همه جا ناامید می شدم به حرم موسی ابن جعفر می رفتم و عرض حاجت می کردم. خودش می گوید «کراماته تجار منه العقول» یعنی موسی ابن جعفر آنقدر کرامت دارد که عقول آدمیان مبهوت می شود. در روایت آمده است که با امام کاری کردند که موسی ابن جعفر مدت ها در بیابان های شهر شام و در غار با لباس مبدل

و چهره بدلی زندگی می کردند که کسی امام را نشناسد. حجت الاسلام میرزامحمدی نیز در مورد شرایط حاکم بر دوران امام کاظم(ع) اظهار داشت: امام باقر(ع) و امام صادق(ع) از انقراض بنی امیه و تاسیس بنی عباس به احسن وجه استفاده کردند و توانستند هزاران شاگرد تربیت کنند. اما وقتی نوبت به موسی ابن جعفر رسید، ورق برگشت. وقتی دشمن دید از دو امام در ملاعام در مسجد و در ملاقات های عمومی و خصوصی بیش از شصت هزار حدیث نقل کرده اند. لذا گفتند اگر امام را رها کنیم ریشه این حکومت زده شده است. دائما حضرت را از مدینه به عراق و شام و بغداد تبعید می کردند. در روایت آمده است که با امام کاری کردند که موسی ابن جعفر مدت ها در بیابان های شهر شام و در غار با لباس مبدل و چهره بدلی زندگی می کردند که کسی امام را نشناسد. این روایت مورد اشاره رهبر انقلاب نیز بوده است.

وی افزود: بارها «ینتقل من سجن الی سجن» از این زندان به آن زندان منتقل می کردند. از هفت تا چهارده سال در مورد زندانی شدن امام نقل شده است.

این کارشناس دینی ادامه داد: فردی یهودی را به عنوان زندان بان حضرت انتخاب کردند. سندی ابن شاهک زندان بان حضرت شد. روایت شده بچه های سندی ابن شاهک از روزنه زندان به حضرت نگاه می کردند در حالی که امام در سجده بودند و بسیار نحیف شده بودند. یک لحظه امام از روزنه در به بچه های سندی نگاه کرد از همین فرد یهودی یک نوه ای به دنیا آمد که از اعلام تشیع شد. لذا امام بخواهد دستگیری کند از یهودی هم دستگیری می کند. وی افزود: در دروه امام کاظم(ع) از آل ابی طالب هر کسی که می توانست قیام کرد و تنها فرد مهمی که قیام نکرد امام موسی ابن جعفر بود. امام کاظم بخشی از سناریوی امامت شیعه است چراکه یک سری کارهای بر زمین مانده دارد و یکسری کار برای امام بعدی. اگر قیام می کرد و کشته می شد دستاوردی به همراه نداشت و حضرت به اندازه ای نیرو نداشت که بتواند مقابل هارون بایستد.

کمک امام تنها به شیعیان نبود، ابن حجر مکی می گوید «یدعی باب قضا حوائج المومنین ای اهل سنه» لذا سنی ها هم به حضرت باب الحوائج می گویند.

وی ادامه داد: راهبردی که حضرت استفاده کرد این بود که سازمان وکالتی تشکیل دادند که از شیعیان خمس می گیرند. عمده شروع مسئله خمس از زمان امام کاظم است. حضرت این وجوهات را به صرّه تبدیل می کردند. این مسئله در کتب اهل سنت هم آمده است. کیسه های طلا دویست تا چهارصد سکه ای، که روایت شده «إِذَا أُعْطِيَ الْمَرْءُ قَقْدَ اسْتَغْنَى» به هر کسی می داد، آن طرف بی نیاز می شد. این یک استراتژی بود. هارون هم به این مسئله اشاره کرده بود که عجیب است برای اینها خراج می آید و ما دو خلافت داریم!

این کارشناس دینی در پایان گفت: حضرت شیعیان را دسته بندی کرده بودند. حضرت این مبالغ را بخشی به فقرا می دادند و بخشی به بغداد یا مدینه سرازیر می شد. حضرت اگر کوچک ترین موضع گیری سیاسی و نظامی می کرد کشته می شد. کمک امام تنها به شیعیان نبود، ابن حجر مکی می گوید «یدعی باب قضا حوائج المومنین ای اهل سنه» لذا سنی ها هم به حضرت باب الحوائج می گویند.